

گزارش سالانه حقوق بشر

ایران

سال میلادی ۲۰۲۴

AMNESTY
INTERNATIONAL



عفو بین الملل جنبشی است متشکل از ۱۰ میلیون انسان که تلاش می کند
حس انسانیت تمام انسان ها را برانگیزد و برای تغییراتی کارزار کند که
موجب بهره مندی تمام انسان ها از حقوق انسانی شان شود. چشم انداز ما
تحقق جهانیست که در آن سیاستمداران به تعهدات خود عمل کنند، قوانین
بین المللی را محترم بشمارند و برای اعمال خود پاسخگو شوند.

ما بدون وابستگی به هر دولت یا هر گونه ایدئولوژی سیاسی و فارغ از
هر گونه منافع اقتصادی یا گرایش های مذهبی عمل می کنیم و هزینه های ما
عمدتاً از طریق کمک های مالی اعضا و سایر اشخاص و نهادها تأمین
می شود.

ما باور داریم که با شفقت و فعالیت در همبستگی با مردم در هر نقطه جهان
می توان وضعیت جوامع را در جهت بهتر شدن تغییر داد.

فهرست

۱. ایران ۴
- ۱ پس زمینه ۴
- ۲ آزادی بیان، تشکل و تجمع ۵
- ۳ ناپدیدسازی قهری، شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها ۵
- ۴ بازداشت خودسرانه و دادگاه‌های غیرعادلانه ۶
- ۵ حقوق زنان و کودکان دختر ۶
- ۶ تبعیض ۷
- ۶.۱ اقلیت‌های اتمیکی ۷
- ۶.۲ اقلیت‌های دینی ۸
- ۶.۳ افراد جامعه همجنسگرا، دوجنسگرا، بیناجنسی و فراجنسیتی (ال‌جی‌بی‌تی) ۸
- ۷ حقوق پناجویان و مهاجران ۹
- ۸ اعدام ۹
- ۹ مصونیت و بی‌کیفرمانی ۱۰
- ۱۰ حق برخورداری از محیط زیست سالم ۱۱

۱. ایران

مقامات، حقوق مربوط به آزادی بیان، آزادی تشکلیابی و آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز را بیش از پیش سرکوب کردند. زنان و کودکان دختر، افراد جامعه‌ی همجنسگرا، دوجنسگرا، بیناجنسی و فراجنسیتی (ال‌جی‌بی‌تی) و اقلیت‌های اتمیکی و مذهبی با تبعیض و خشونت سیستماتیک روبه‌رو شدند. مقامات، سرکوب زنانی که به قوانین حجاب اجباری تن نمی‌دهند، و همین‌طور سرکوب جامعه‌ی بهایی و پناهجویان و مهاجران افغانستانی را تشدید کردند. هزاران نفر صرفاً به خاطر استفاده از حقوق انسانی خود، به‌طور خودسرانه بازداشت و بازجویی شده و مورد آزار و اذیت و یا تحت پیگرد قضایی ناعادلانه قرار گرفتند. رویه‌های دادرسی همچنان به‌طور سیستماتیک ناعادلانه بودند. ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز به‌طور گسترده و سیستماتیک اعمال می‌شد. مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی، از جمله شلاق و قطع عضو، اجرا شد. مجازات اعدام به‌شکل خودسرانه اعمال گردید و اقلیت‌های اتمیکی و مهاجران را به نسبت جمعیت‌شان بیشتر تحت تأثیر قرار داد. برای کسانی که در جنایات گذشته و جاری علیه بشریت از جمله کشتار زندانیان در سال ۱۳۶۷ و سایر جنایات بین‌المللی دست داشته‌اند، مصونیت سیستماتیک از مجازات همچنان برقرار مانده است.

۱ پس‌زمینه

در ماه آوریل، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ماموریت گزارشگر ویژه در امور حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و همچنین ماموریت هیات حقیقت‌یاب بین‌المللی و مستقل درباره ایران (FFMI) را تمدید کرد. این هیات و دیگر کارشناسان مستقل سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری از ورود به ایران منع شدند.

در ماه مه، ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط بالگرد حامل او کشته شد. در ماه ژوئیه، پس از برگزاری انتخاباتی با مشارکت پایین مردم، مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور شد؛ شورای نگهبان تنها صلاحیت شش نفر از ۸۰ داوطلب ثبت‌نام‌شده برای این انتخابات را تایید کرد.

حکومت جمهوری اسلامی ایران در سال گذشته همچنان از حماس، سایر گروه‌های مسلح فلسطینی و حزب‌الله حمایت کرد. در ماه آوریل، جمهوری اسلامی در پاسخ به حمله‌ای به کنسولگری خود در سوریه که منجر به کشته شدن هفت تن از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد، بیش از ۳۰۰ پرتابه به سمت اسرائیل شلیک کرد. در ماه اکتبر هم، ایران در واکنش به کشته شدن اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران، و حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله در لبنان، نزدیک به ۲۰۰ موشک بالستیک به سمت اسرائیل پرتاب کرد. در این حمله، یک غیرنظامی فلسطینی در کرانه باختری در سرزمین‌های اشغالی فلسطین کشته شد. در همان ماه، اسرائیل ۲۰ هدف را در داخل ایران بمباران هوایی کرد که منجر به کشته شدن یک غیرنظامی و چهار نیروی نظامی شد.

جمهوری اسلامی ایران از دولت بشار اسد در سوریه پیش از سقوط حکومت او در ۸ دسامبر حمایت نظامی می‌کرد.

جمهوری اسلامی ایران پهپادها و موشک‌های بالستیک در اختیار روسیه قرار داد که علیه زیرساخت‌های غیرنظامی در اوکراین به کار رفتند.

۲ آزادی بیان، تشکلیابی و تجمع

مقامات رسانه‌ها را سانسور کردند، روی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای پارازیت انداختند و دسترسی به آن‌ها را مختل کردند و برنامه‌های موبایلی و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی را همچنان مسدود یا فیلتر نمودند.

مقامات همچنان فعالیت احزاب سیاسی مستقل، سازمان‌های جامعه مدنی و اتحادیه‌های صنفی را ممنوع کردند و کارگران و کارمندان، از جمله پرستاران، معلمان و کنشگران حقوق کار را به خاطر اعتصاب و تجمع مسالمت‌آمیز تحت آزار و اذیت قرار دادند.

طرح «حمایت از حقوق کاربران در فضای مجازی» (موسوم به طرح صیانت)، که در صورت تصویب، حریم خصوصی افراد را بیش از پیش نقض و دسترسی به اینترنت جهانی را محدودتر می‌کند، همچنان در مجلس در دست بررسی باقی ماند. در ژانویه، رهبر جمهوری اسلامی حکمی صادر کرد که استفاده از برنامه‌های دوزدن فیلترینگ (وی‌پی‌ان) را ممنوع کرده و کاربران را مجبور به استفاده از اینترنت داخلی می‌کند.

در ماه ژوئن، پرونده‌های کیفری علیه صدها نفر به دلیل انتقاد علنی از ابراهیم رئیسی پس از کشته شدن او تشکیل شد. صدها نفر دیگر نیز پس از آن که مقامات اعلام کردند «تشویق» تحریم انتخابات ریاست جمهوری در فضای مجازی جرم است، تلفنی تهدید شدند، اخطار گرفتند یا احضار شدند.

مقامات، خانواده‌های دادخواهی که عزیزان‌شان در جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ و اعتراضات آبان ۱۳۹۸ کشته شدند، را تحت سرکوب و نقض حقوق بشر قرار دادند.

مقامات، معترضان، زنان و کودکان دختری که به قوانین حجاب اجباری تن نمی‌دادند، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، نویسندگان، دانشگاهیان، دانشجویان، افراد جامعه‌ی ال‌جی‌بی‌تی‌ای، اعضای اقلیت‌های اتنیکی و مذهبی، و مدافعان حقوق بشر را به خاطر استفاده از حقوق انسانی خود، از جمله در [آستانه دومین سالگرد خیزش ۱۴۰۱ در ماه شهریور](#)، مورد انواع نقض حقوق بشر قرار دادند. این موارد نقض حقوق شامل بازجویی، بازداشت خودسرانه، ناپدیدسازی قهری، پیگرد ناعادلانه که منجر به احکام زندان، شلاق یا جریمه می‌شد، و تعلیق یا اخراج از تحصیل یا اشتغال بوده است.

۳ ناپدیدسازی قهری، شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها

مقامات به‌طور معمول بازداشت‌شدگان را قهراً ناپدید کرده و تحت بازداشت‌های مخفی یا بی‌ارتباط با جهان بیرون نگه می‌داشتند. شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها گسترده و سیستماتیک بود. صدا و سیما «اعترافات» گرفته شده تحت شکنجه را پخش می‌کرد.

چندین نفر به دلایل سیاسی و به صورت خودسرانه در مراکز روان‌پزشکی نگهداری شدند و تحت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها از جمله تجویز اجباری دارو قرار گرفتند.

مقامات زندان و دادستانی به‌طور مداوم از ارائه مراقبت‌های پزشکی مناسب به زندانیان، از جمله برای آسیب‌های ناشی از شکنجه، خودداری کردند.

چندین نفر در بازداشت در شرایط مشکوک جان باختند، در حالی که گزارش‌های معتبر از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها از جمله ضرب و جرح و محرومیت از مراقبت‌های پزشکی درباره آنان وجود داشت. از جمله این افراد محمد میرموسوی بود که یک روز پس از بازداشتش در ماه اوت درگذشت. مقامات در ابتدا علت مرگ او را حمله قلبی اعلام کردند در حالی که رسانه‌های حکومتی اینطور القا کردند که او در جریان یک درگیری پیش از دستگیری زخمی شده بود. مقامات تنها پس از آن که ویدئویی از بدن زخمی او خشم عمومی را برانگیخت، مسئولیت این موضوع را پذیرفتند. پنج مأمور پلیس دستگیر شدند اما اطلاعاتی درباره روند پیگرد قضایی آن‌ها اعلام نشد.

زندانیان در شرایط بی‌رحمانه و غیرانسانی از جمله ازدحام جمعیت، وضعیت غیربهداشتی، تهویه نامناسب، محیط‌های آلوده به موش یا حشرات و دسترسی محدود یا نبود دسترسی به رختخواب، توالت یا امکانات شست‌وشو نگهداری می‌شدند.

در قانون مجازات اسلامی همچنان مجازات‌هایی از جمله شلاق، کور کردن، قطع عضو، به صلیب کشیدن و سنگسار که معادل شکنجه هستند، حفظ شده است.

بنابر گزارش مرکز عبدالرحمن برومند برای حقوق بشر در ایران، دادگاه‌ها دست‌کم ۱۸۶ حکم شلاق صادر کردند. احکام شلاق و قطع عضو اجرا شدند.

۴ بازداشت خودسرانه و دادگاه‌های غیرعادلانه

رویه‌های دادرسی به‌طور سیستماتیک ناعادلانه بودند و در نتیجه، بازداشت افراد ماهیتی خودسرانه پیدا می‌کرد. موارد نقض آیین دادرسی منصفانه شامل محرومیت افراد از حق دسترسی به وکیل از زمان دستگیری، پذیرش «اعترافات» تحت شکنجه به‌عنوان مدرک و برگزاری محاکمه‌های شتابزده بود.

قوه قضاییه که از استقلال برخوردار نیست، نقش محوری در تثبیت مصونیت افراد دخیل در شکنجه، ناپدیدسازی قهری و سایر جرائم بین‌المللی از مجازات ایفا کرد.

بازداشت خودسرانه‌ی اتباع خارجی و دو تابعیتی‌ها که به‌عنوان اهرم فشار نگه داشته می‌شدند، با مصونیت انجام شد. در برخی موارد، این رویه به سطح جرم «گروگان‌گیری» می‌رسید.

حصر خانگی خودسرانه‌ی مخالفان سیاسی مهدی کروی، میر حسین موسوی و زهرا رهنورد وارد چهاردهمین سال خود شد.

۵ حقوق زنان و کودکان دختر

مقامات همچنان با زنان از جمله در زمینه ازدواج، طلاق، حضانت فرزند، اشتغال، ارث و تصدی مناصب سیاسی به‌عنوان شهروندان درجه دو رفتار می‌کردند.

سن قانونی ازدواج برای دختران همچنان ۱۳ سال بود و پدران می‌توانستند با اخذ مجوز قضایی، دختران خود را در سنین کمتر نیز به ازدواج اجباری وادار کنند.

مقامات با انگیزه‌های سیاسی، مدافعان حقوق بشر و زنان را به جرایمی متهم کردند که مشمول مجازات اعدام می‌شود. شریفه محمدی در ماه ژوئن و پخشان عزیزی در ماه ژوئیه به اعدام محکوم شدند.

از ماه آوریل، مقامات با اجرای طرح نور، سرکوب زنان و کودکان دختر را که به قوانین حجاب اجباری تن نمی‌دادند تشدید کردند. این سرکوب شامل استفاده از نظارت دیجیتال و فن‌آوری شناسایی چهره برای کنترل حجاب بود که نتیجه آن، نقض بیشتر حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و سیاسی زنان و کودکان دختر و محدودسازی آزادی تردد آن‌ها بود. گشت‌های امنیتی افزایش یافت و زنان و کودکان دختر در اماکن عمومی مورد آزار و خشونت قرار گرفتند. این سرکوب همچنین به صورت ممنوعیت تحصیل برای دانشجویان زن در دانشگاه‌ها، تعقیب خطرناک خودروهایی که زنان راننده یا سرنشین آن بودند، توقیف دسته‌جمعی اتومبیل‌های زنان، اجبار به گذراندن کلاس‌های «اخلاقی»، صدور حکم حبس و شلاق اعمال می‌شد.

در ماه ژوئیه، نیروهای پلیس که قصد ضبط خودروی زنی را به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری داشتند، گلوله مرگبار به سوی خودرو شلیک کردند و آرزو بدری را که سرنشین آن بود، به شدت زخمی نمودند.

در ماه اوت، مقامات، نرگس محمدی مدافع حقوق بشر و سایر زندانیان زن را در زندان اوین تحت شکنجه و دیگر بدرفتاری قرار دادند که منجر به آسیب‌دیدگی آنان شد و از ارائه مراقبت‌های پزشکی مناسب نیز به آن‌ها خودداری نمودند.

در ماه سپتامبر، شورای نگهبان لایحه «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» را تایید کرد و تبعیض و خشونت علیه زنان و کودکان دختر را بیش از پیش نهادینه ساخت. قرار بود رئیس‌جمهور این قانون را در تاریخ ۱۳ دسامبر امضا کرده و برای اجرا ابلاغ کند اما اجرای آن موقتاً متوقف شد.

در نوامبر، مقامات اعلام کردند که قصد دارند در تهران کلینیکی برای «ترک کشف حجاب» راه‌اندازی کنند تا «خدمات علمی و روان‌شناختی» به زنانی ارائه دهند که از قوانین حجاب اجباری پیروی نمی‌کنند.

زنانی که قوانین حجاب اجباری را زیر پا می‌گذاشتند، با احکام حبس، جریمه‌های سنگین و محرومیت از تحصیل و خدمات عمومی روبه‌رو می‌شدند.

لایحه «پیشگیری از آسیب به زنان و ارتقای امنیت آن‌ها در برابر سورفتار» همچنان در مجلس معلق ماند. پیش‌نویس این لایحه، خشونت خانگی را به عنوان جرم تعریف نکرده، تجاوز در رابطه زناشویی یا ازدواج کودکان را جرم‌انگاری نکرده و تضمین نکرده است که مردانی که زنان خویشاوند خود را به قتل می‌رسانند، مجازات متناسب دریافت کنند.

۶ تبعیض

۶.۱ اقلیت‌های اتمیکی

اقلیت‌های اتمیکی از جمله عرب‌های اهوازی، ترک‌های آذربایجانی، بلوچ‌ها، گُردها و ترکمن‌ها با نقض گسترده حقوق بشر از جمله تبعیض در دسترسی به آموزش، اشتغال، مسکن مناسب و مناصب سیاسی روبه‌رو بودند. عدم سرمایه‌گذاری کافی در مناطق اقلیت‌نشین، فقر و به حاشیه‌راندگی آن‌ها را تشدید کرد.

با وجود درخواست‌های مکرر برای تنوع زبانی، زبان فارسی همچنان به عنوان تنها زبان آموزشی در مدارس ابتدایی و متوسطه باقی ماند.

نیروهای امنیتی ده‌ها کولبر کُرد (که در مناطق مرزی ایران و کردستان عراق تردد می‌کنند) و سوخت‌بر بلوچ در استان سیستان و بلوچستان را، در حالی که غیرمسلح بودند، به قتل رساندند و یا مجروح کردند و از مجازات مصون ماندند.

۶.۲ اقلیت‌های مذهبی

اقلیت‌های مذهبی از جمله بهاییان، مسیحیان، دراویش گنابادی، یهودیان، مسلمانان سنی و یارسان از جمله در دسترسی به آموزش، اشتغال، فرزندخواندگی، تصدی مناصب سیاسی و محل عبادت در قانون و عمل با تبعیض مواجه بودند. مقامات، اعضای اقلیت‌های مذهبی را برای ابراز یا عمل به باورهایشان به‌طور خودسرانه بازداشت، تحت پیگرد ناعادلانه و شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار می‌دادند.

افرادی که به‌زعم مقامات، مسلمان به دنیا آمده‌اند اما به ادیان دیگر یا بی‌دینی روی آورده‌اند، در معرض خطر بازداشت خودسرانه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و مجازات اعدام برای «ارتداد» قرار داشتند.

مقامات به کلیساهای خانگی یورش برده و نوکیشان مسیحی را خودسرانه بازداشت می‌کردند.

اعضای جامعه بهایی با نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر از جمله بازداشت خودسرانه، یورش به منازل‌شان، محرومیت از تحصیلات عالی، اخراج از مشاغل، پلمب کسب‌وکارها، مصادره و تخریب اموال، پیگردهای قضایی ناعادلانه و صدور احکام طولانی حبس صرفاً به‌خاطر باور و عمل به دینشان روبه‌رو بودند. زنان بهایی به‌طور ویژه هدف قرار می‌گرفتند و ده‌ها نفر از آن‌ها بازجویی و زندانی شدند.

در ماه ژانویه، مقامات زمین‌های زراعی متعلق به خانواده‌های بهایی در استان مازندران را مصادره کردند. در ماه مه هم، مزارع برنج این خانواده‌ها با بولدوزر تخریب و محصولات و کرت‌های آبیاری‌شان را ویران کردند.

مقامات از خاک‌سپاری بهاییان در گورستانی در تهران که دهه‌هاست مورد استفاده جامعه بهایی بوده جلوگیری کردند. در ماه مارس، بیش از ۳۰ قبر متعلق به بهاییان در محل گور جمعی خاوران تخریب شد. در ماه اوت، پس از تخریب قبرستانی متعلق به بهاییان در اهواز در استان خوزستان، مقامات در این مورد هیچ تحقیقاتی انجام ندادند.

۶.۳ افراد جامعه همجنسگرا، دوجنسگرا، بیناجنسی و فراجنسیتی (ال‌جی‌بی‌تی)

افراد جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌ای با تبعیض و خشونت سیستماتیک مواجه بودند. روابط هم‌جنس‌گرایانه رضایتمندانه همچنان جرم‌انگاری شده و مجازات‌هایی از شلاق گرفته تا اعدام در پی داشت.

«درمان‌های تبدیلی» که از سوی دولت حمایت شده و مصداق شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها محسوب می‌شود، همچنان رواج داشت و کودکان را هم دربرمی‌گرفت. برای تغییر جنسیت در مدارک قانونی، هورمون‌درمانی و عمل‌های جراحی از جمله عقیم‌سازی الزامی بود.

افراد با هویت جنسیتی ناهماهنگ با کلیشه‌های جنسیتی دوگانه همچنان جرم‌انگاری شده و از دسترسی به آموزش

و اشتغال محروم می‌شدند.

۷ حقوق پناجویان و مهاجران

اتباع افغانستانی با تبعیض گسترده روبه‌رو بودند که شامل موانع در زمینه‌ی تحصیل، مسکن، اشتغال، خدمات پزشکی، خدمات بانکی و آزادی تردد بود. مقامات، اتباع افغانستانی را غیرانسانی جلوه می‌دادند و بدین ترتیب به گسترش گفتار نفرت‌پراکن و خشونت علیه آن‌ها دامن می‌زدند.

مقامات، اتباع افغانستانی را مورد دستگیری‌های خشونت‌آمیز و اخراج‌های فله‌ای قرار دادند و اعلام کردند که از ماه مارس تا نوامبر ۸۵۰ هزار «اتباع غیرمجاز» - احتمالاً اتباع و افراد با تبار افغانستانی - را به افغانستان بازگردانده‌اند؛ این اخراج‌ها بدون رعایت موازین قانونی و عادلانه از کشور انجام شد.

در ماه اکتبر، مقامات گزارش‌ها مبنی بر استفاده نیروهای امنیتی از سلاح گرم علیه ده‌ها تن از اتباع افغانستانی در مرز ایران و پاکستان که منجر به تلفات جانی و مجروحیت شده بود را تکذیب کردند و از انجام تحقیقات موثر سر باز زدند.

۸ اعدام

صدها نفر به شکل خودسرانه اعدام شدند.

مجازات اعدام پس از محاکمه‌های به شدت ناعادلانه اعمال گردید، از جمله برای [جرایمی نظیر قاچاق مواد مخدر](#) که معیار «سنگین‌ترین جرایم» متضمن قتل عامدانه را برآورده نمی‌کنند.

مجازات اعدام برای اعمالی که در حیطه حقوق بر حریم خصوصی یا آزادی بیان، مذهب یا عقیده قرار می‌گیرند، از جمله نوشیدن الکل و روابط هم‌جنس‌گرایانه رضایتمندانه، همچنان برقرار بود. سنگسار همچنان به عنوان مجازات «زناى محصنه» (رابطه جنسی خارج از ازدواج) در نظر گرفته شد.

مقامات از مجازات اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب سیاسی معترضان، مخالفان و اقلیت‌های اتمیکی استفاده کردند.

اقلیت‌های سرکوب‌شده از جمله بلوچ‌ها و اتباع افغانستانی به نسبت جمعیت‌شان تعداد بیشتری از اعدام‌شدگان را تشکیل می‌دادند.

دو نفر از جمله یک [جوان دارای معلولیت روانی](#)، در پیوند با اعتراضات ۱۴۰۱ در ماه‌های ژانویه و اوت [اعدام شدند](#). این افراد در دادگاه‌های ناعادلانه متکی به «اعترافات اجباری» زیر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها حکم اعدام گرفتند و شماری دیگر هم زیر حکم اعدام هستند.

مقامات همچنان [افراد زیر ۱۸ سال در زمان وقوع جرم](#) را به اعدام محکوم و اعدام کردند. ده‌ها نفر که در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند در صف اعدام باقی ماندند.

۹ مصونیت از مجازات

مصونیت سیستماتیک از مجازات و بی‌کیفرمانی برای مسئولان دخیل در کشتار، شکنجه، ناپدیدسازی قهری و سایر جنایات بین‌المللی و همچنین نقض‌های جدی حقوق بشر که در سال ۲۰۲۴ و سال‌های قبل ارتکاب یافته، ادامه داشت.

لایحه اصلاح قانون به‌کارگیری سلاح گرم در مجلس در دست بررسی بود و در عین حال مقام‌های عالی‌رتبه خواستار تصویب سریع آن شدند. در صورت تصویب، این لایحه، به نهادهای امنیتی و اطلاعاتی بیشتری اجازه مسلح بودن می‌دهد و مصونیت برای استفاده غیرقانونی از سلاح گرم را بیش از پیش تثبیت می‌کند.

نیروهای امنیتی همچنان ضمن برخورداری از مصونیت از مجازات به سمت خودروهای مردم شلیک کردند و این امر موجب کشته و زخمی شدن افراد می‌شد و اقلیت بلوچ به‌طور ویژه از این تیراندازی‌ها آسیب دیدند.

در ماه مارس، مقامات در پاسخ به گزارش عفو بین‌الملل در آذر ۱۴۰۲، منکر ارتکاب هرگونه خشونت جنسی علیه معترضان در خیزش سال ۱۴۰۱ شدند. همچنین آن‌ها در پاسخ به گزارش هیات حقیقت‌یاب سازمان ملل، یافته‌های مربوط به ارتکاب جنایات علیه بشریت، از جمله قتل، حبس، شکنجه، تجاوز و سایر انواع خشونت جنسی، آزار و تعقیب، ناپدیدسازی قهری و دیگر اقدامات غیرانسانی در جریان خیزش را انکار کردند.

در همین ماه، «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های ۱۴۰۱» که به دستور ابراهیم رئیسی تشکیل شد، گزارشی منتشر کرد که در آن ضمن سرپوش گذاشتن بر موارد نقض حقوق بشر، کشتارها را به «اغتتشاگران و تروریست‌ها» نسبت داد. به‌جز سه مسئولی که پشت درهای بسته محاکمه شدند، کسی بابت قتل و شکنجه معترضان و رهگذران در جریان خیزش ۱۴۰۱ محاکمه نشد.

در ماه ژانویه، دیوان عالی کشور حکم اعدام صادره از یک دادگاه نظامی علیه جعفر جوانمردی، فرمانده انتظامی بندر انزلی در استان گیلان، به دلیل قتل یک معترض را نقض کرد و پرونده را برای رسیدگی مجدد به یک دادگاه پایین‌تر فرستاد. در ماه مارس، دادگاه نظامی در استان قزوین بار دیگر برای او حکم اعدام صادر کرد. در رسانه‌های حکومتی گفته شد او مشغول «دفاع از امنیت ملی» بوده است و بر قوه قضاییه فشار آوردند تا او را آزاد کند. پس از آن، رسانه‌های حکومتی گزارش دادند که قوه قضاییه قصد دارد پرونده را به دلیل «اشکالات متعدد» دوباره بررسی کند.

مقامات، همچنان حقایق را درباره شلیک موشک به پرواز پی‌اس ۷۵۲ هواپیمایی بین‌المللی اوکراین در دی ۱۳۹۸ که منجر به کشته شدن ۱۷۶ نفر شد، مخفی نگاه داشتند. در ماه اوت، دیوان عالی کشور حکم پیشین دادگاه نظامی که ۱۰ مسئول را به حبس محکوم کرده بود، با استناد به ایرادات در مرحله تحقیق لغو کرد و پرونده را برای رسیدگی مجدد به دادگاه پایین‌تر ارجاع داد.

در ماه مارس و اوت، مقامات از دسترسی خانواده‌های قربانیان به گورستان جمعی خاوران جلوگیری کردند؛ مکانی که گمان می‌رود پیکر برخی از چند هزار مخالف سیاسی که در سال ۱۳۶۷ قهراً ناپدیدشده و به صورت فراقضایی اعدام‌شدند در آن دفن شده باشند. برخی از افرادی که در جنایات علیه بشریت سابق و جاری مرتبط با کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ دست داشتند، همچنان مناصب بالای حکومتی را در اختیار دارند.

در ماه ژوئن، یک توافق تبادل زندانی میان ایران و سوئد باعث شد حمید نوری، یک مقام پیشین در زندان‌های ایران که یک دادگاه سوئدی او را بابت نقش در کشتار زندانیان در سال ۱۳۶۷ به حبس ابد محکوم کرده بود، به ایران بازگردد این توافق باعث تداوم مصونیت مقامات ایرانی از مجازات به خاطر ارتکاب گروگان‌گیری و سایر جنایات بین‌المللی شد.

۱۰ حق برخورداری از محیط زیست سالم

مقامات در رسیدگی به بحران محیط‌زیستی ایران قصور کردند، بحرانی که با خشک شدن دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها، تخلیه آب‌های زیرزمینی، جنگل‌زدایی، آلودگی آب به دلیل دفع فاضلاب در منابع آب شهری، فرونشست زمین و آلودگی هوا تا حدی ناشی از مصرف سوخت‌های نامرغوب صنعتی تشدید شده و بر اساس گزارش وزارت بهداشت، موجب مرگ هزاران تن، و همچنین تعطیلی مدارس و کسب‌وکارها در ماه دسامبر گردید.

ایران همچنان تولید و یارانه‌های سوخت فسیلی را در سطح بالا حفظ کرد و برای محافظت از جوامع به حاشیه‌رانده شده در برابر پیامدهای تغییرات اقلیمی اقدامی نکرد.

سؤمدیریت منابع آبی از سوی مقامات، باعث کمبود آب، به ویژه در استان‌های خوزستان و سیستان و بلوچستان شد که به ترتیب محل سکونت اقلیت‌های عرب اهوازی و بلوچ است. زیرساخت‌های نامناسب تأمین آب در استان سیستان و بلوچستان باعث شد چندین روستایی بلوچ، از جمله کودکان، هنگام تلاش برای دسترسی به آب از طریق گودال‌های خطرناک، در آب غرق شوند.

عفو بین الملل یک جنبش جهانی

برای احقاق حقوق بشر است.

بی عدالتی در حق یک نفر

مسأله همه ماست.